

◊ **علاقی اخلاقی دانشجویان بر پایه روش تدریس نیازمحور**

امین فتحی^۱

چکیده

هدف: هدف از این تحقیق، بررسی نیازهای دانشجویان از مجموعه دروس «اخلاق اسلامی» در دانشگاهها بوده است. **روش:** گردآوری اطلاعات به شیوه توصیفی و از طریق پرسشنامه صورت گرفته است. سپس داده‌ها به شکل موضوعی و با توجه به اصول مهم تربیتی و سطوح مورد نیاز بینشی، گرایشی و کنشی طبقه‌بندی و به صورت ساختاری و تفسیری تحلیل شده‌اند. جامعه آماری تحقیق را دانشجویان دختر و پسر سالهای ۹۰ تا ۹۴ تشکیل می‌دادند. **یافته‌ها** و **نتایج:** ارزشگذاری برای مسائل اخلاقی، تبیین تأثیرات رفتار اخلاقی و بیان مقایسه‌ای عواقب خوبان و بدان، اخلاقی کردن علائق و سلاقی جوانان، معرفی الگوهای موفق، شناخت اصول زندگی سالم، ایجاد انگیزه زندگی، امید به آینده روشن، احیای ارزشهای انسانی نظیر حس نوع‌دوستی، گذشت و ایثار، از مهم‌ترین نیازهای اخلاقی دانشجویان است که باید در تدریس این درس لحاظ بشود.

واژگان کلیدی: اخلاق اسلامی، روش نیازمحور، نیازهای دانشجویان.

◊ دریافت مقاله: ۹۴/۰۱/۱۵؛ تصویب نهایی: ۹۴/۰۸/۰۲.

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه محقق اردبیلی - مریمی / آدرس: اردبیل، انتهای خیابان دانشگاه، دانشگاه محقق اردبیلی / شماره: ۳۳۵۱۲۸۰۹ /

Email: amin.fathi45@gmail.com

الف) مقدمه

اخلاق (جمع خُلُق و خُلُق) به معنای سجایای اخلاقی و اوصاف درونی (راغب، ۱۴۰۴) و هیأت راسخه و ملکات ثابته در نفس که موجب صدور اعمال خوب و بد از آدمی می‌شود (آملی، ۱۳۳۴: ۴) و در انسان با تعلیم و تربیت قابل تغییر و تحول است. علم اخلاق، دانشی است که صفات نفسانی خوب و بد و اعمال و رفتار اختیاری متناسب با آنها را معرفی کرده، شیوه تحصیل صفات خوب و انجام اعمال پسندیده و دوری از صفات بد و اعمال ناپسند را نشان می‌دهد. نقش علم اخلاق را در درمان بیماری‌های اخلاقی، شخصیتی و کژروی‌های رفتاری می‌توان ذکر کرد و فایده آن، تحصیل کمالات نفسانی و ارزشهای انسانی است.

هدف علم اخلاق، فراهم آوردن زمینه رشد اخلاقی است که از طریق شناخت افعال خوب و بد و چگونگی آراستن نفس به منشهای پسندیده و پیراستن آن از صفات ناپسند است. اهمیت پرداختن به تربیت اخلاقی در عصر ما به مراتب بیشتر شده است. بشر امروزی ناگزیر است برای تحقق جامعه سالم و ایجاد تعادل روانی در افراد، به ارزشهای اخلاقی روی آورد. (نجارزادگان، ۱۳۸۶: ۲۲-۲۱)

منظور از تدریس نیازمحور، آموزشی است که در آن با استفاده از روشهای فعال تدریس و با تکیه بر استانداردهای آموزشی در سه حوزه قبل، حین و پس از تدریس، نیازهای فعلی معرفتی دانشجویان مورد تدقیق و تحلیل قرار می‌گیرد. شیوه مرسوم در کلاس‌ها، توجه به سرفصل مصوب و کتابهاست که معمولاً ارزیابی علمی نشان می‌دهد دانشجویان با این شیوه ارتباط برقرار نمی‌کنند. از این رو، شیوه نیازمحور در تلاش است با هدف قرار دادن نیازهای بالفعل دانشجویان، اولین گام را در تعامل علمی استاد و دانشجو بردارد. (مدیریت ارتقا و کارآمدی استادان معارف، ۱۳۹۴)

واقعیت این است که امروزه در فضای پر زرق و برق تبلیغات مصرف‌گرایی و کامجویی‌های مبتنی بر فرهنگ اومانستی و خودپرستی و ترویج شهوات و شبهات رایج در جامعه، به خصوص در فضای مجازی، آنچه در حال حاضر به شدت احساس می‌شود، ورود مفاهیم و معارف قرآنی و تبلور ارزشهای دینی در زندگی مردم، به خصوص نسل جوان است و این مهم نیز جز با درک نیازهای واقعی جامعه هدف و همت و پشتکار معلمان و اساتید دانشگاهها و مراکز آموزش عالی در ایجاد تعامل و ارتباط منطقی با مخاطبان و بهره‌گیری از شیوه‌های نوین تدریس میسر نمی‌شود. هدف این تحقیق، بررسی نیازهای دانشجویان از مجموعه دروس «اخلاق اسلامی» در کلاسهای معارف اسلامی در دانشگاههاست. با بررسی‌های به عمل آمده تاکنون، کتاب، مقاله و پژوهشی در این موضوع و با این عنوان تدوین، چاپ یا نمایه نشده است.

روش گردآوری اطلاعات به شیوه توصیفی بوده، نحوه جمع‌آوری داده‌ها به صورت پرسشنامه‌ای مقطعی از نوع تحلیل محتواست و چون از روشهای متداول در گردآوری اطلاعات میدانی، به خصوص تحقیقاتی که افراد جامعه آماری و نمونه آن زیاد باشد، روش پرسشنامه‌ای است؛ در این تحقیق نیز از

علايق اخلاقی دانشجويان بر پایه روش تدریس نیازمحور ۴۹۳

پرسشنامه با سؤالات باز استفاده شده است که در آن به دنبال یافتن پاسخ به این پرسش در آخر سؤالات درسی بوده که «به نظر شما در کلاسهای اخلاق دانشگاهها، طرح چه موضوعاتی بیشترین تأثیر مثبت اخلاقی را می‌تواند در جوانان داشته باشد؟». سپس با جمع‌آوری پاسخها و نیازهای دانشجويان و طبقه‌بندی آنها، داده‌ها به شکل ساختاری و موضوعی، سپس به صورت تفسیری تحلیل شده‌اند. جامعه آماری مورد سؤال، دانشجويان دختر و پسر طی سالهای ۹۰ تا ۹۴ در ترمهای متوالی برخی از کلاسهای اخلاق اسلامی از دروس معارف اسلامی دانشگاه محقق اردبیلی بوده و روش نمونه‌گیری نیز از نوع تصادفی ساده است.

لذا پاسخگويان بدون محدودیت، پاسخهای مدّ نظرشان را نوشته و برخی آن را توضیح نیز داده‌اند. لذا این پژوهش با جوابهای مختلفی مواجه بود که به جز موارد معدود، اکثر پاسخها به نوعی مرتبط با سؤال مطرح شده بود. از باب مثال، در سؤال خواسته شده بود طرح چه موضوعی را مؤثر می‌دانید؟ جواب داده شده، رفتار و برخورد مناسب کارکنان و اساتید بود. بدیهی است که این جواب، پاسخ مورد نیاز تحقیق نبود، اما نشانگر نوع نیاز مخاطب بود. بخشی از این پاسخها ناظر به جنبه سلبی و برخی ناظر به جنبه ایجابی بود. برای مثال، در حیطه بینشی، «عدم اطلاع کافی و عمیق از آموزه‌های زیبای دینی» و «دین‌زدگی» را از علل عدم توجه کافی جوانان به مسائل اخلاقی ذکر کرده‌اند که سلبی است. اما می‌شود استفاده کرد که اگر جوانان ما آگاهی کافی از دین داشته و از برخی رفتارهای متدینین و تبلیغات نامتناسب آزرده و ناراحت نبودند، از انگیزه و عمل اخلاقی بالایی برخوردار می‌شدند.

ب) مبانی مسئله

انسان دارای ابعاد سه‌گانه جسم، قلب و عقل است. بنابر این، انسان دارای سه سطح ادراکی «حسی و ذهنی»، «قلبی و احساسی» و «عقلی» می‌باشد که در اصطلاح روان‌شناسی، از آن به «کنش»، «گرایش» و «بینش» یاد می‌شود؛ چرا که در هر موجود زنده، دو خاصیت اساسی «ادراک» و «حرکت ارادی» وجود دارد. در انسان نیز این دو خاصیت به صورت گسترده‌تر و پیچیده‌تر و عمیق‌تر وجود دارد. در حوزه ادراک، علم و شناخت دخیل است که از آن به «بینش» تعبیر می‌شود و در اراده، میل و رغبت و انگیزش نقش دارد که از آن به «گرایش» تعریف می‌شود. این دو عامل اساسی، موجب پیدایش «کنش»؛ یعنی رفتار می‌شود (جلالی، ۱۳۸۰: ۴۵). از منظر اندیشمندان مسلمان، «عمل و اخلاق در یکدیگر تأثیر متقابل دارند و هر کدام می‌تواند به نوبه خود سبب پیدایش دیگری شود» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۳). گرچه این سطوح در یکدیگر تأثیر می‌گذارند، اما در میزان و رتبه تأثیرگذاری، اختلاف نظر وجود دارد. برخی از صاحب‌نظران، سطح بینشی را مهم می‌دانند؛ چرا که «نگرشها نقش بسیار مهمی در زندگی، اندیشه‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی انسان دارند. روان‌شناسان معتقدند که وقتی نگرش فرد را تغییر می‌دهیم، می‌توانیم رفتار وی را نیز

تغییر دهیم. پس هر چه بیشتر در مورد رفتارها آگاهی داشته باشیم، تغییر نگرش افراد سهل تر خواهد بود». (شیرکوند، ۱۳۸۹)

علامه طباطبایی می‌فرماید: «سنن و قوانین اجتماع هیچ وقت از گزند تخلف و بطلان ایمن نمی‌شود، مگر اینکه بر اساس فضائل اخلاقی و شرافت انسانیت تأسیس شده، پشتوانه‌اش دل‌های مردم بوده باشد. این فضائل اخلاقی هم به تنهایی در تأمین سعادت اجتماع و سوق انسان به سوی صلاح عمل کافی نیست، مگر وقتی که بر اساس توحید باشد. روشن است که وقتی اخلاق بر چنین عقیده‌ای اتکا داشته باشد، برای آدمیان جز مراقبت رضای خدا همتی باقی نمی‌ماند. در آن صورت، تمامی هم آدمی این می‌شود که یک یک کارهایش مورد رضای خدا باشد، و چنین مردمی درون دل‌هایشان رادعی به نام تقوا دارند که مانع آنان از ارتکاب جرم می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۲۱۰). از بیانات استاد مصباح یزدی نیز استفاده می‌شود که سطح گرایشی پیش‌تاز است: «حرکت اختیاری انسان مبتنی بر سه امر میل، آگاهی و قدرت است. اگر انسان را به ماشینی تشبیه کنیم، میل در واقع عامل اصلی حرکت است؛ یعنی به منزله موتوری است که انرژی لازم را برای حرکت تولید می‌کند؛ علم و آگاهی چراغی است که راه را روشن می‌کند و مسیر حرکت را مشخص می‌سازد و قدرت به منزله سایر ابزار ماشین از جمله چرخ و سایر چیزهایی است که حرکت به وسیله آنها انجام می‌شود (جلالی، ۱۳۸۰: ۴۸). برخی نیز به استناد آیات و روایاتی، کنشها را تأثیرگذارتر می‌دانند: «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَسَؤُوا السُّوْأَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ» (روم: ۱۰)؛ سپس سرانجام کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و آن را به مسخره گرفتند. یا تکرار اعمال را مؤثر در تغییر افکار و عقاید می‌دانند: «در روان‌شناسی متوجه شده‌اند که بیش از اینکه رفتار انسانها تحت تأثیر شخصیت باشد، شخصیت و افکار انسانها تحت تأثیر رفتارشان است. شما گرایش و تفکری دارید ولی این گرایش و تفکر در چه مدل رفتاری تجلی پیدا می‌کند؟ آن رفتار، افکار و اندیشه شما را باز تولید و بازسازی می‌کند. ما اسیر اعمال خود هستیم و اعمال ما روی ما اثر دارند» (پناهیان، ۱۳۹۱). البته باید در نظر گرفت که اعمال باعث ایجاد عقاید نمی‌شوند، بلکه همچون مسائل دیگر، موجب تقویت یا تضعیف آن می‌شوند. لذا ممکن است بر اعمال یا افکار انسان تأثیرگذار شده، افکار در درازمدت به نگرش و عقیده تبدیل شوند. بنابر این، لازمه انجام هر رفتاری، ابتدا شناخت و سپس، میل و رغبت برای بروز آن است. عاطفه شرط تحقق و فعلیت یافتن بینش و شناخت است و یکی از محرک‌های مهم و اساسی رفتار به شمار می‌آید. پیازه بر این اعتقاد است که عاطفه، جنبه انرژی‌دهندگی دارد و همچون موتور و محرک شناخت و رفتار است. در مقابل، آگاهی و شناخت هم تأثیر بسزایی در تکوین عاطفه دارند؛ زیرا محبت و علاقه جز پس از معرفت و ادراک، قابل تصور نیست؛ پس برای شکوفایی و فعلیت آن، تکرار و تقلید لازم است (جلالی، ۱۳۸۰: ۴۵)، که در حیطه عمل است.

ج) یافته‌ها

در این تحقیق برای اینکه داده‌ها به صورت روشمند طبقه‌بندی شده و به نتایج ملموس و قابل قبول تری برسد، با توجه به سه بعد وجودی انسان؛ یعنی بینش، گرایش و کنش، یافته‌های پژوهش نیز علاوه بر توجه به اصول مهم تربیتی، مانند دانایی (آشنایی با مسائل و موضوعات علوم تربیتی و اخلاقی)، دارایی (داشته‌ها، باور و عمل به آن علوم) و توانایی (داشتن مهارت‌ها و فنون تربیتی) مربوط به انتظارات دانشجويان از استادان، در سه سطح بینشی، گرایشی و کنشی مورد نیاز دانشجويان و نیز در قالب انتظارات از جامعه و نظام آموزشی و موانع موجود، سامان‌یافته و به ترتیب اولویت، مورد تبیین و تحلیل قرار گرفته است. در این تحلیل، هم تحلیل ساختاری جوابها (واژه‌ها، مفاهیم و اصطلاحات به کار رفته) مد نظر بوده و هم تحلیل تفسیری (آشکار کردن پیامهای نهفته در متن نوشته‌ها).

۱. تحلیل ساختاری جوابها

یک) انتظارات مهارتی (توانایی‌ها)

مهارت به معنی ماهر بودن در کاری، استادی، زیرکی، چابکی و زبردستی در کار است (عمید، ۱۳۷۹، ج ۲: ۱۸۷۲). مهارتهای زندگی، مجموعه‌ای از توانایی‌هایی هستند که زمینه‌سازگاری و رفتار مفید را برای فرد فراهم می‌کنند. این توانایی‌ها فرد را قادر می‌سازند تا مسئولیتها و نقش اجتماعی خود را بپذیرد و به شکل مؤثر عمل کند (خنیفر و پورحسینی، ۱۳۹۱: ۱۳). مهارت به معنای توانایی به کارگیری دانسته‌ها بوده و ابعاد مهارتی انسانها نیز مختلف است که مهارتهای آموزشی، تربیتی و روابط بین فردی از جمله آنهاست. «توانایی روابط بین فردی به ما کمک می‌کند با دیگران همکاری و مشارکت بهتری داشته باشیم. این مهارت به ما می‌آموزد برای درک موقعیت دیگران چگونه به سخنان آنان فعالانه گوش دهیم و چگونه دیگران را از احساس و نیازهای خود آگاه نماییم تا ضمن به دست آوردن خواسته‌های خود، طرف مقابل نیز احساس رضایت نماید» (معاونت توسعه مدیریت و منابع انسانی جهاد کشاورزی، ۱۳۹۱: ۱۲). در تحلیل ساختاری، ابتدا انتظارات مهارتی (توانایی‌ها) دانشجويان از اساتید ذکر می‌شود:

- دروس اخلاق توسط اساتیدی که از نیازهای روز جوانان به خوبی آگاهند و طبق این تغییرات زندگی می‌کنند، به دانشجويان ارائه شود.
- ایجاد ارتباط صمیمی استاد با دانشجو و ارائه مطالب به صورت دوستانه و تأثیرگذار.
- ارائه رهنماهای عملی به دانشجويان، نه اطلاعات نظری.
- مشارکت دادن بیشتر دانشجويان در مباحث کلاسی.
- صحبت با زبان دانشجويان. (همزبانی با جوانان).
- در نظر گرفتن روحیات، موقعیت و وضع و حال دانشجويان.

۴۹۶ ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۶۵

- مدیریت روحیه دانشجویان به سمت مثبت و سالم.
- پرداختن به مشکلات رایج اخلاقی.
- اخلاقی کردن علایق و سلیق جوانان و اصلاح آن.
- بیان راههای کنترل شهوات در جوانی.
- آموزش مهارت مقابله با صفات و خلق و خوی منفی.
- متقاعد کردن جوانان بر موضوعات درسی، نه الزام در یادگیری.
- توجه به افکار و عقاید جوانان و اشتباهاتش را دوستانه گوشزد کردن.

دو) انتظارات از جامعه

- اصلاح روش برخورد با جوانان و رفتار مناسب با آنها (پرهیز از افراط و تفریطهای رفتاری)
- برخورد صادقانه با جوانان.
- احترام به جوانان.
- کمک به جوانان به جای امر و نهیهای مکرر.
- ارزشگذاری برای مسائل اخلاقی در جامعه.
- مشارکت دادن جوانان در امور.
- حل مشکلات فعلی جوانان.
- آشنا کردن جوانان با عمق فسادهای در کمین.
- ارزشگذاری به دختران و احیای هویت آنان، تا مجبور به کارهای ناپسند نشوند.
- تشخیص و بروز استعدادهای درونی جوانان.

سه) انتظارات از نظام آموزشی

- این واحد مورد علاقه برخی از دانشجویان نبوده و نگاه به درس اخلاق به عنوان دو واحد الزامی است نه از روی نیاز.
- تغییر در نحوه ارائه دروس اخلاق.
- حذف شیوه حفظ محوری.
- ارائه موضوعاتی که جوانان بیشتر با آن سروکار دارند.
- ملاک قرار نگرفتن نمره درسی اخلاق در کارنامه آموزشی.
- به روز بودن منابع درسی و ذکر دلایل مسائل کتاب.
- فضاسازی مناسب دانشگاهها.
- ارائه نمایشگاهی از تأثیرات مسائل اخلاقی.
- ترویج مسائل اخلاقی در نشریات دانشجویی.

علايق اخلاقي دانشجويان بر پايه روش تدريس نيازمحور \diamond ۴۹۷

- لزوم مراکز مشاوره قوی و دادن خدمات مشاوره‌ای مناسب.

چهار) موانع موجود در جامعه

- ايجاد محدوديتهاي مختلف براي جوانان؛ زیرا، اعمال محدوديتها موجب احساس بد و حريص تر شدن مي‌شود.
- كمبودهاي عاطفي و تأمين نشدن نيازهاي عاطفي و احساسی به خصوص كمبودهاي عاطفي دوران كودكي و نوجواني.
- كنترل شديد خانواده‌ها بر فرزندان و وجود اختلاف با خانواده.
- بيزاري از نصيحتها(نصيحت‌گريزي).
- رواج دروغ، ريا و تقلب در جامعه و ديگر ناهنجاري‌هاي اجتماعي.
- تأثيرگذاري منفي رسانه‌ها و رواج غرب‌گرایی.
- گم شدن ملاكهاي اخلاقي با وجود شدت تبليغات سوء اخلاقي.
- وجود تضادها و تعارضهاي آشكار بين گفتار، ادعا و عملكردها در جامعه.
- تناقض بين سخن و عمل و رياكاري‌ها در مسئولان.
- تنفر از دروغ بزرگ‌ترها.
- نگاه از بالا به جوانان در جامعه.
- رواج سرزنش جوانان.
- وجود سختگيري‌هاي بي‌مورد.
- رفتار بد مدعيان دينداري و والدين.
- عدم پاسخگويي به شبهات جوانان.
- تنوع طلبي افراطي و عدم خودباوري جوانان.
- رواج مد‌گرایی‌هاي افراطي.
- نا اميدي همراه با آينده مبهم و نامعلوم.
- نا اميدي‌ها، افسردگي‌ها، شكستها و عدم تعادل ذهني.
- تبليغات شيطان پرستي.
- دسترسي آسان و ارزان به فضاي مجازي در مقايسه با كتابها و مجلات.
- آسيبهاي روز افزون شبكه‌هاي اجتماعي.
- انتقال روز افزون مشكلات روحي و اخلاقي جوانان ديگر كشورها به ايران.
- نفوذ شديد غرب و ترويج بي‌ديني در ميان نسل جديد.
- غربي شدن بازار مسلمين.

۴۹۸ ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۶۵

- رواج خزنده جریانهای دین گریز.
- تضعیف نهاد خانواده.
- وجود کثرفهمی ها و بی اعتمادیها از چهره دین.
- عدم رسیدگی کارشناسان به حرف دل جوانان.

پنج) نیازهای بینشی

- تبیین درست اصول یک زندگی خوب و سالم.
- عدم شناخت کافی و عمیق از آموزه‌های زیبای دینی.
- عدم اطلاع کافی از رفتارها و گفتارهای امامان دین.
- بیان زیبایی‌های اسلام.
- خارج شدن از حالت دین زدگی.
- خلأ در ناحیه آرمانها و الگوها.
- تبیین صحیح اصول اعتقادی.
- آشنایی با فلسفه خلقت و هدف زندگی.
- تقویت باورها و اهداف معنوی.
- تکراری بودن زندگی.
- تبیین مناسب آینده جهان و مهدویت.

شش) نیازهای گرایشی

- امید به آینده روشن (امید بخشی به زندگی).
- عدم فرار از مسئولیت سنگین زندگی مشترک.
- نهادینه شدن احساس نیاز به نماز.
- احیای حس نועدوستی و کمک به دیگران.
- تقویت روحیه تعاون، همیاری و رعایت حقوق همدیگر.
- احیای انگیزه زندگی.

هفت) نیازهای کنشی

- کمک در انتخاب خوب نسبت به بد، و بد نسبت به بدتر.
- کمک در تصمیم گیری‌های عقلانی و منطقی.
- آموزش شیوه‌های رفتاری معصومان(ع).
- تبیین شاخصهای دوستی‌های اجتماعی.
- جلوگیری از به دام افتادن جوانان.

- روابط صمیمی با والدین.

هشت) ویژگی کلاس مطلوب

- بیان اثرات مثبت و منفی مسائل اخلاقی در قالب حکایتها و با استفاده از مثالهای عینی.
- ارتباط صمیمی و دوستانه بین استاد و دانشجو.
- تبیین علمی احکام و آثار و مضرات محرّمات.
- تبیین علمی جایگاه دین به عنوان برنامه زندگی.
- طرح نیازهای عالی انسان.
- تبیین علمی دلایل پوشش و حجاب.
- جو راحت برای طرح سؤالات مختلف.
- معرفی کتابهای خوب و موثر.
- بیان اثرات مثبت و منفی مسائل اخلاقی و پرهیز از جهت‌دهی و القای مستقیم ارزشها.
- بیان منطقی تأثیرات اخلاق در زندگی.
- ذکر امتیازات زندگی اخلاقی.
- طرح موضوعات به صورت امروزی و مطابق با طرز تفکر جوانان.
- به چالش کشیدن افکار دانشجویان.
- دور کردن افکار جوانان از مسائل فیزیولوژیکی صرف.
- در نظر گرفتن نمره درسی به نظرات دانشجویی.
- توضیح توأم با آرامش و اقناع کردن.
- عدم اختلاط جنسیتی کلاسها.
- تشخیص نوع نیاز مخاطبان.
- درک بالاتر و تحمل و صبر بر رفتار مخاطبان.
- تطبیق مسائل اخلاقی با مشکلات روزمره.
- تکراری و کلیشه‌ای نبودن مطالب.
- رضایتمندی از استاد موجب توجه به سخنان استاد و تفکر در آن می‌شود.
- عدم تکرار و تأکید بر شعارها و آموزه‌های دینی.
- افزایش کنفرانسهای کلاسی.
- وادار کردن دانشجویان به تحقیقات و بررسی‌ها.
- ارائه مطالب به صورت پرسش و پاسخ کلاسی.
- یادآوری بهای آزادی و خون شهدا.

نه) موضوعات مورد نیاز

- روشهای برخورد، رفتار و معاشرت صحیح با همدیگر (روابط صحیح اجتماعی).
- معرفی الگوهای موفق.
- تشویق بر راستی و صداقت.
- تبیین جوانی امامان(ع).
- ارائه زندگانی شهدا.
- ارتباط صحیح بین دختر و پسر (مهارتهای ارتباطی)، به خصوص در ترم اول.
- ذکر حکایات جذاب و تأثیرگذار.
- راهکارهای رهایی از مسائل مادی و دنیوی.
- افزایش تحمل پذیری.
- تبیین اثرات پاکدامنی.
- راههای رسیدن به بلوغ فکری.
- نقش نماز در اصلاح امور.
- شیوه صحیح زندگی در دوران مجردی.
- عزت نفس.
- راههای کسب تقوا و بیان آثار آن.
- راههای کسب ارزشهای اخلاقی.
- راههای شکوفایی نکات مثبت اخلاقی.
- بیان مقایسه‌ای عواقب خوبان و بدان.
- ذکر اهمیت انجام وظایف نسبت به جامعه.

۲. تحلیل تفسیری

دانشجویان ما در موقعیتی قرار گرفته‌اند که خواستار توجه به نیازها و حرفهای دلشان هستند. از آنها خواسته شده نوع نیازشان را برای بهبود کیفیت و محتوای دروس اخلاق بیان کنند. از این جامعه آماری به جز دو مورد که گفته‌اند به این دروس نیاز نداریم، سایرین اعلام کرده‌اند: آنچه نیاز داریم، ارائه نمی‌شود و آنچه گفته می‌شود، کلیشه‌ای و تکراری است و متناسب با اقتضائات روز نیست. به اعتقاد دانشجویان، بهبود محتوای آموزشی به تنهایی کافی نیست و می‌بایست به موازات آن:

- وضعیت جامعه، نوع برخورد با جوانان و موانع موجود جهت ارتقای اخلاقی جوانان اصلاح شود.
- استادان و مدرسان دروس اخلاق اسلامی افرادی خودساخته بوده و آگاه به وضعیت جوانان و آشنا با مهارت‌ها و فنون آموزشی و تربیتی باشند.

علايق اخلاقی دانشجويان بر پایه روش تدریس نیازمحور \diamond ۵۰۱

- روش نظام آموزشی در ارائه دروس، متناسب با نیازها و ظرفیت دانشجويان و منطبق بر استانداردهای موجود باشد.
 - به لحاظ بینشی و گرایشی، معرفت دینی دانشجويان افزایش یافته و باورهای قلبی شان تعمیق یابد.
- در محتوای آموزشی نیز بر تصحیح شیوه معاشرت، معرفی الگوهای برتر، راههای کسب و شکوفایی ارزشها و فضیلتهای اخلاقی تأکید گردد.

(د) بحث و نتیجه گیری

با توجه به پاکی، صفا و صداقت جوانان به خاطر نزدیکی به عهد فطرتی که دارند و روحیه حق جویی و حقیقت خواهی که از عمق وجدانشان برمی خیزد (ر.ک: فلسفی، ۱۳۶۳) و نیز انگیزه بالایی که در اقدام به کار، به خصوص در اصلاح امور دارند و با توجه به ارتباط دوسویه ای که در مدت این تحقیق با جوانان وجود داشت؛ به نظر می رسد در این پاسخها، جوانان صادقانه ترین جوابها را ارائه داده اند. گر چه کلام آنها نظر کارشناسی خبرگان محسوب نمی شود، اما انتظاراتشان را از جامعه و نظام آموزشی و موانع موجود، در جواب سؤال اضافه کرده اند. باید در نظر داشت که موضوع، توجه به خواسته ها، نیازها و نظرات آنان بوده، به ویژه که عنوان تحقیق «علايق اخلاقی دانشجويان» انتخاب شده است. در هر صورت، نتایج تحقیق نشان می دهد که مهم ترین نیازهای دانشجويان، صرف نظر از مشکلات و موانع موجود در جامعه، ارتقای مهارتهای آموزشی و تربیتی استادان، اصلاح نظام آموزشی و روش تدریس، تصحیح شیوه معاشرت، معرفی الگوهای برتر، راههای کسب و شکوفایی ارزشها و فضیلتهای اخلاقی و خصلتهای نیک انسانی، تأکید بر راستی و صداقت و بیان علمی و منطقی مسائل و قضایای اخلاقی است. اینها مجموعه ای از نیازهای دانشجویی از زاویه نگاه و زبان خودشان بود. تا در برنامه ریزی های خرد و کلان آموزشی، مورد توجه قرار گیرد.

همچنین از نتایج این پژوهش می توان در تبیین نیازهای بینشی و معرفتی دانشجويان و شناخت روحیه جوانان استفاده کرد و از پاسخهای ارائه شده، در تدوین کتب مورد نیاز و حتی در ترمیم برنامه های فرهنگی دانشگاهها بهره گرفت.

با توجه به اینکه جامعه شناسان مسلمان، معمولاً علل گرایش به مادی گرایی یا عوامل دین گریزی را به طور کلی به علل روان شناختی (عوامل درونی - فردی) و عوامل جامعه شناختی (محیطی و بیرونی) تقسیم می کنند (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۲). وضعیت فکری، اخلاقی و رفتاری فعلی جامعه را می توان با این علل و عوامل و نتایج تحقیق همسو دانست؛ عواملی نظیر نارسایی در معنویت گرایی، تهاجم فرهنگی، رواج خرافات،

۵۰۲ ◆ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۶۵

هواپرستی‌ها، منفعت‌طلبی‌ها و درگیری گروه‌ها و جناح‌های مذهبی و سیاسی، تضعیف بنیان‌های دینی و نهاد خانواده و غیره که در کتابها و مقالات مختلف پژوهشی بیان شده است.



منابع

- قرآن کریم. ترجمه سيد محمدرضا صفوی (۱۳۹۰)؛ قم: دفتر نشر معارف.
- آملی، محمدتقی (۱۳۳۴). حیات جاوید در اخلاق. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- پناهیان، علیرضا (۱۳۹۱). «سبک زندگی کجای دین ماست؟». قابل دسترسی در: <http://bayanmanavi.ir/post/899>
- جلالی، حسین (۱۳۸۰). «درآمدی بر بحث بینش، گرایش، کنش و آثار متقابل آنها». معرفت، ش ۵۰.
- خنیفر، حسین و مزده پورحسینی (۱۳۹۱). مهارتهای زندگی. تهران: هاجر.
- راغب اصفهانی (۱۴۰۴ ق). المفردات. [بی جا]: دفتر نشر الکتاب.
- شیرکوند، شهرام (۱۳۸۹). «اثر تغییر نگرش بر تغییر رفتار». قابل دسترسی در: <http://hamshahronline.ir/details/116784>
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۳). المیزان. قم: اسلامی.
- عمید، حسن (۱۳۷۹). فرهنگ فارسی عمید. تهران: امیرکبیر، چ نوزدهم.
- فلسفی، محمدتقی (۱۳۶۳). جوان از نظر عقل و احساسات، ج ۱ و ۲. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- مدیریت ارتقا و کارآمدی استادان معارف اسلامی (۱۳۹۴). «چکیده‌ای از ارائه دروس معارف به شیوه نیازمحور». ماهنامه معارف، ش ۱۱۰ (شهریور و مهر): ۱۲.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). علل گرایش به مادیگری. تهران و قم: صدرا، چ سیزدهم.
- معاونت توسعه مدیریت و منابع انسانی جهاد کشاورزی (۱۳۹۱). مهارتهای زندگی. تهران: مرکز نوسازی و تحول اداری.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۹۲). پیام قرآن (دوره دوم)، اخلاق در قرآن، ج ۱. قم: امام علی (ع).
- نجارزادگان، فتح‌الله (۱۳۸۶). رهیافتی بر اخلاق و تربیت اسلامی. قم: معارف.
- **The Holy Quran**. Translated by Seyyed Reza Safavi (2011). Qom: Maāref Publications.
- **Adjutancy of Management Development Agriculture Jihad** (2013). **Life Skills**. Tehran.
- Amid, H. (1998). **Dictionary Persian Amid**. Tehran, Amir Kabir.
- Amoelie, Mohammad Taqi (1955). **Eternal Life in Morality**. Tehran: Mortazavi.
- Falsafi, Muhammad Taqi (1984). **Young in Terms of Intellect and Emotion**, Vol. 1 and 2. Tehran: Islamic Culture Office.
- Jalali, Hosein (2002). “An Introduction to the Discussion, Insight, Tropism, Deed and Their Mutual Effects”. *Ma'refat Journal*, No. 50.
- Khanifar, Hussein & M. Pour Hosseini (2012). **Life Skills**. Tehran: Hagar.
- Makarem Shirazi, N. & Et al. (2013). **Qur'an's Message**, Second Term, the Morality in Qur'an, Vol. 1. Emam Ali (AS), Qom.

- Management of Efficiency and Usefulness of Islamic Education
- Rofessors (2015). “**An Abstract of the Islamic Educations Presentation with Demand-driven Method**”. *Journal of Maāref*, Sep. and Oct., 110: 12.
- Motahari, M. (1993). **Tendency Causes towards Materialism**. Tehran and Qom: Sadra.
- Najjarzadegan, Fathallah (2007). **Research on Ethics and Islamic Education**. Qom: Maāref Publications.
- Panahian, A.R. (2012). “**What Part of our Religion is Lifestyle?**”. <http://bayanmanavi.ir/post/899>.
- Ragheb Esfahani (1983). **Almofradat**. [?]: Nashr Alketab.
- Shirkavand, Shahram (2010). “**The Effect of the Change of Attitude on Behavior Change**”. <http://hamshahrionline.ir/details/116784>.
- Tabatabai, Muhammad Hussain (2014). **Al-Mizan**. Qom: Islamic Publications.

